

اشتغال زنان و آسیب‌های همسری و مادری با تأکید بر آموزه‌های دینی

فاطمه سادات موسوی^۱

سنا خلف حیاوی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۳

چکیده

یکی از جلوه‌های حضور زنان در جامعه، اشتغال است. اشتغال به معنای کار درآمدزا و فعالیتی است که زنان با خروج از منزل و در اوقات معین بدان مشغول هستند و در مقابل از حقوق و مزایایی برخوردار می‌شوند. با توجه به ویژگی‌های خاص زنان و مسئولیت‌های مهم و متعددی که در خانه برعهده دارند، اشتغال باعث ایجاد آسیب‌هایی برای نقش همسری و مادری می‌شود. پژوهش حاضر به روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با تأکید بر آموزه‌های دینی به بیان آسیب‌های خانوادگی (نقش همسری و مادری) برخاسته از اشتغال زنان پرداخته است. از جمله آسیب‌های نقش همسری می‌توان به: اختلال در روابط با همسران، استقلال مالی و احساس عدم وابستگی و کاهش میل به فرزندآوری؛ و برای آسیب‌های نقش مادری: اختلال در روابط عاطفی با فرزندان، دوگانگی تربیت فرزندان و از بین رفتن احساس امنیت اشاره کرد. دستاورد مشخص این پژوهش آن است که اسلام حضور اجتماعی زنان را نفی نمی‌کند، اما با تأکید بر خانواده، حضور زن را مطابق با

۱. طلبه پایه پنجم سطح ۲، حوزه علمیه حضرت معصومه (علیها السلام) / sadat6677m@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری مدرسه علمیه معصومیه قم.

محدوده شرعی و همچنین در کارهای متناسب با شأن و جنسیت
زنانه مجاز می‌شمارد.
واژگان کلیدی: اشتغال، خانواده، زنان، مادری، همسری





یکی از مسائل بسیار با اهمیت در دهه‌های اخیر مسئله اشتغال زنان است. زنان در دوره‌های گذشته معمولاً کاری خارج از خانه انجام نمی‌دادند و بیشتر به نقش‌های سنتی می‌پرداختند؛ اما با گذشت زمان، زنان رفته‌رفته به عرصه مشاغل بیرون از خانه روی آوردند. زنان با اشتغال خود در تولید منابع مالی خانواده مشارکت کرده و نقش به‌سزایی در پیش‌برد اهداف معیشتی خانواده ایفا می‌کنند. اما اشتغال زنان تنها از نظر مادی و کمک به تأمین معاش و بهبود شرایط مالی اعضای خانواده دارای اهمیت نیست؛ بلکه این امر بیشتر از نظر عاطفی و اجتماعی بدین خاطر که به زن احساس سازندگی و خلاقیت می‌دهد، اهمیت دارد و تأثیر آن نه تنها در رفتار و شخصیت زن، بلکه در روحیات تک تک اعضای خانواده احساس می‌شود. با این وجود به نظر می‌رسد مسئله عمده‌ای که در اشتغال زنان بروز می‌کند، فشارهای چندگانه‌ای است که کارهای خانگی، مادری، همسری و وظایف شغلی بر جسم آنان و تضادهای نقشی ناشی از آن بر روان آنها وارد می‌کند که در صورت تداوم و عدم چاره‌جویی برای این معضل، هم سلامت جسمی و روانی زنان به خطر می‌افتد و هم کارکردهای خانواده مختل می‌شود، که مهم‌ترین آن نقش همسری و مادری است؛ زیرا زن به عنوان عضو مؤثر خانواده نسبت به اعضای دیگر این خانواده، یعنی شوهر و فرزندان، مسئولیت اخلاقی خانواده را دارد که با اشتغال در آن خلل وارد می‌شود. زن امروز به‌ویژه در جوامع در حال گذار، در دو نقش پیچیده و گاه مقابل هم به‌طور هم‌زمان محکوم است. از طرفی نقش اجتماعی و شغلی، از سوی دیگر نقش خانه‌داری و خانوادگی. بر همگان آشکار است که کانون تعدیل و تشدید این امر در ابتدا نظام



خانواده است. بنابراین از جمله مسائل و مشکلات زنان شاغل و خانواده‌های آن در دوره کنونی، دگرگونی و چالش‌های پیش رو در خصوص وظایف خانوادگی است؛ به طوری که ساختار خانوادگی آنان را با تعارض و تناقض و مشکلات عدیده‌ای مواجه ساخته است. با عنایت به جایگاه و موقعیت زنان در کانون خانواده، شایسته و ضروری است که آسیب‌هایی که در ساختار و روابط اعضای خانواده‌هایی که زنان آنان شاغل هستند مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. لیلا سادات زعفرانچی (۱۳۸۸) در بخش دوم کتاب (اشتغال زنان) به آثار و پیامدهای مثبت و منفی اشتغال زنان پرداخته است. مهدی غیائی (۱۳۹۶) در فصل سوم پایان‌نامه خود، با عنوان (آسیب شناسی اشتغال زنان با رویکرد الگوی صحیح آن از منظر قرآن و روایات) انگیزه‌ها و پیامدهای اشتغال زنان در جامعه را بیان می‌کند. در مقاله (آسیب شناسی اشتغال زنان) که توسط سیده طاهره موسوی (۱۳۹۹) گردآوری شده است، آسیب‌های فردی و خانوادگی اشتغال زنان مورد بررسی قرار گرفته است. در زمینه آسیب‌های اشتغال زنان تحقیقاتی صورت گرفته؛ ولی در باب (اشتغال زنان و آسیب‌های همسری و مادری) با جستجویی که صورت گرفت، اثری جامع و مستقل تحت این عنوان یافت نشد. لذا با توجه به اهمیت اشتغال زنان در عصر پربحران کنونی، مقاله حاضر در پی آن است تا با روش تحلیلی - توصیفی و با تأکید بر آموزه‌های دینی، به بیان اشتغال زنان و آسیب‌های همسری و مادری بپردازد.

تاریخچه اشتغال زنان

اشتغال زنان به معنای حضور گسترده آنان در عرصه‌های اقتصادی،



فرهنگی. هنری و حوزه‌های سیاسی. اجتماعی، در خارج از محیط خانه و در ساعاتی معین است (که‌ریزی و مرادی، تابستان ۱۳۹۴، ص ۲۴).

از دیرباز تا کنون زنان به دلایل مختلف، به کارکردن اشتیاق نشان داده‌اند که انگیزه‌های اقتصادی مهم‌ترین آنهاست. آنان برای جبران کمبود درآمد خانواده و بالا بردن قدرت خرید، کسب نوعی آزادی فردی و استقلال، یا به عنوان ایمنی برای آینده خود یا خانواده‌شان و نیز با هدف حضور فعال در اجتماع، کار می‌کنند (سفیری، ۱۳۷۷، ص ۴۵).

ظهور دین اسلام موجب تغییراتی در نظام اجتماعی زنان گردید. این دین امتیاز و ترجیح حقوقی برای مردان نسبت به زنان قائل نشده است؛ بلکه اصل مساوات انسان‌ها را درباره زن و مرد رعایت کرده است (کیان‌مهر، دی ۱۳۷۸، ص ۱۸).

از آیات قرآن کریم می‌توان چنین استنباط کرد که کسب و کار برای زنان، مجاز بوده و حرام نیست: «للرجال نصیب مما کسبوا وللنساء نصیب مما اکتسبن»؛ و برای مردان از آنچه (به اختیار) کسب کرده‌اند، بهره‌ای است، و برای زنان (نیز) از آنچه (به اختیار) کسب کرده‌اند، بهره‌ای است (نساء، ۳۲). همچنین از دیدگاه قرآن کریم زن نیز همانند مرد در بندگی خداوند، تلاش برای دین، ادای واجبات، دوری از محرمات، پای‌بندی به حدود و مرزهای شریعت، فراخوانی دیگران به دین‌داری، امر به معروف و نهی از منکر و ادای تکلیف، مسئول است (مهریزی، بی‌تا، ص ۸۴).

سیره پیامبر^۹ درباره اشتغال زنان در عصر رسالت، به خوبی گویای جواز کار زنان است و نیز جواز بسیاری از کارها برای زنان امضا شده است: «انما رخص

رسول الله ۹ للنساء العواتق الخروج فی العیدین للتعرض للرزق: رسول خدا (ص) به زنان جوان اجازه دادند تا در مراسم عید قربان از منازل خود خارج شوند و برای تهیه روزی بساط بگسترانند» (مجلسی، ۱۴۳، ج ۸۷، ص ۳۵۳). اشتغال زنان در عصر رسالت به شکل گسترده گزارش شده است و زنان تقریباً در بسیاری از شغل‌های رایج آن زمان، حضور داشتند (سعید زاده، ۱۳۷۳، صص ۱۵-۱۴).

نکته مهم در زمینه اشتغال زنان از منظر فقه جعفری، حفظ جایگاه و منزلت زن است. در تفکر شیعی، حفظ و گسترش نهاد خانواده بر پایه ویژگی‌های فطری و طبیعی زن و مرد، اولویت و اهمیت خاصی دارد و در کنار آن، بر امکان اشتغال و استقلال مالی زنان تأکید شده است. اسلام معتقد است اشتغال زنان، حتی المقدور در مشاغلی باشد که تناسب بیشتری با منزلت و جایگاه زن در جامعه دارد؛ مشاغلی مانند آموزش و پرورش و بهداشت و درمان برای زنان بهتر است (رهبر، زمستان ۱۳۸۸، ص ۴۷).

اسلام، اشتغال را برای زن هدف نمی‌داند؛ بلکه آن را در خدمت خانواده و رفاه و آسایش آن می‌داند و اشتغال را به عنوان یکی از راه‌های افزایش قابلیت و شکوفایی استعداد زنان در جهت تعالی و کمال آنان می‌پذیرد (محقق، بهار ۱۳۹۶، ص ۷۹).

آسیب‌های نقش همسری

الف) اختلال در روابط با همسران:

یکی از نقش‌های مهم زن در خانه و خانواده، نقش همسری اوست. (بتول کارگر علی‌آباد، زمستان ۱۳۹۴، ص ۵۴). ریاست شوهر بر خانواده، لزوم تمکین



جنسی زن در مقابل مرد، اطاعت از شوهر و عدم خروج از منزل بدون اجازه همسر، از جمله حقوق شوهر است. به همین جهت در روایات همسر داری نیکو در حد جهاد برای زنان آمده است: «جهاد المرأة حسن التبعل» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۹۹، ج ۱۸، ص ۱۰۷). از این رو اشتغال زن در خارج از خانه و حتی در داخل خانه نباید با این حقوق منافات داشته باشد (آذربایجانی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۳).

زن و مرد به سبب تفاوت در ویژگی‌های جسمی و روانی سهم یکسانی در پایداری خانواده ندارند. نقش زن در خانه، سازنده و موجد شخصیت، توانایی و کارآیی مفید مرد (دورانت، ۱۳۸۷، ص ۱۴۳)؛ و نقش مرد ایجاد پایگاه اجتماعی برای خانواده و حفظ و امنیت آنها به وسیله شغل و درآمد شغلی اش است و همچنین نقش زن ایجاد روابط عاطفی در درون خانواده و حفظ روابط عاطفی ضروری برای اعضای خانواده است، که با مشکلات گوناگون جامعه رو به رو هستند. این تفسیر بهترین شکل برای حفظ وحدت خانوادگی است و تداخل هرنوع نقش دیگر، سبب به هم خوردن تعادل زندگی می‌شود (اعزازی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۰). از این رو قرآن می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»؛ یکی از نشانه‌های خداوند این است که برای شما از خودتان همسرانی بیافرید تا در کنار آن آرام بگیرید و میان شما دوستی و مهربانی قرار داد (روم، ۲).

پس یکی از اهداف اساسی در ازدواج، آرامش‌گری، ایجاد انس و الفت در بین زن و مرد است (اعراف، ۱۸۹). نقش زن در ایجاد این هدف اساسی تراز مرد است. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۱۷۴).



نصوص روایی نیز زنان را مایه آرامش همسران خود معرفی می‌کند. برای نمونه حضرت سیدالسادین ۷ در رساله حقوق می‌فرمایند: حق همسرت برتواین است که بدانی خداوند او را مایه انس و آرامش برای تو قرار داده است. بدان که این نعمتی از سوی خداوند است پس بکوش که او را اکرام کنی و با وی مهربان باشی (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۶۲).

می‌دانیم انس و الفت و مهربانی بین زن و شوهر، در حقیقت اساس و پایه محکم زندگی و باعث آسایش و راحتی است و زن در خانه نقش به‌سزایی در فراهم کردن آسایش و راحتی و رفع اضطراب خاطر و نگرانی دارد (حاتمی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۹).

این هدف زمانی محقق خواهد شد که زن حضور جدی و فعالی در خانه و خانواده داشته باشد و بسترهای لازم را برای ایجاد انس، الفت بیشتر و آرامش‌گری ایجاد کند (پناهی، ۱۳۹۳، ص ۳۶). اما گاهی عوامل مختلف، از جمله اشتغال زنان، موجب کم‌رنگ شدن نقش همسری وی می‌شود و مشکلاتی را به وجود می‌آورد (کارگر علی‌آباد، ۱۳۹۴، ص ۵۴)؛ زیرا پذیرش اشتغال برای زنان به معنای زیربار مسئولیتی مضاعف رفتن و قبول نقش‌های متعدد در زندگی است و باعث خستگی زیاد، استرس‌های مداوم و فشارهای روحی و روانی و افسردگی می‌گردد. این امر سبب می‌گردد بعضی مسئولیت‌های خانوادگی وی را تحت‌الشعاع قرار دهد و از ایفای نقش‌ها و آنچه بر عهده او در خانواده نهاده شده، بر نیاید (فرهادیان، ۱۳۸۹، ص ...).

با توجه به آنکه در میان همسران، سه رابطه اصلی وجود دارد: ۱. رابطه عاطفی، ۲. رابطه کلامی، ۳. رابطه جنسی، اشتغال زنان می‌تواند بر هر سه رابطه



آسیب‌های بسیاری وارد کند (مهدویان، ۱۳۹۵، ص ۷۲)

مرد به طور طبیعی و براساس وظیفه‌ای که درباره تأمین هزینه خانواده دارد، بیشتر اوقات خود را در محل کار و بیرون از خانه می‌گذراند و پس از پایان کار، برای رفع خستگی و نیرو گرفتن به خانه باز می‌گردد. حال اگر زن نیز مثل شوهر به صورت تمام وقت در بیرون از خانه به تلاش اقتصادی و اجتماعی مشغول باشد و انرژی جسمانی و روانی خود را در خارج از خانه و محیط کار هزینه کند و برای رفع خستگی به خانه برگردد؛ ارتباط و تعامل عاطفی همسران به دلیل خستگی مفرط و بی‌حوصلگی ناشی از کار، کاهش می‌یابد و به حداقل خواهد رسید (ابوالقاسم بشیری، ص ۶۸). همچنین ارتباط کلامی میان زوج از عوامل استوارسازی روابط زناشویی است (زعفرانچی، ۱۳۸۸، ص ۶۰).

برخی از خانم‌های شاغل در محیط کار به اندازه کافی با همکاران و مراجعان صحبت می‌کنند و نیازهای کلامی و عاطفی خود را از این راه ارضا می‌کنند. بدین ترتیب دیگر نیاز و انگیزه کافی برای برقراری رابطه کلامی با همسرشان ندارند. چه بسا موجب بد خلقی و برقراری روابط کلامی ناسالم با آنان می‌شوند (علی محمدی، ۱۳۹۴، ص ۳۱) از سوی دیگر فشار ناشی از کار رسمی و کار خانگی که خستگی زنان را در پی دارد، بر روابط جنسی زوجین تأثیرات ناخوشایندی برجای می‌گذارد (هایدی، ص ۱۳۰) درحالی که روابط جنسی رضایت بخش، افزون بر آنکه شادابی جسمی و روحی مرد را در پی دارد، حس اعتماد به نفس و انگیزه حمایت از همسر را در وی افزایش می‌دهد و بر رضایت مندی و نشاط زن نیز اثرات مثبتی خواهد داشت (تونی، ۱۳۹۸، صص ۲۶۸، ۹۰، ۷۶)



بنابراین به طور کلی خستگی از کار داخل و بیرون از خانه سبب می شود زن در روابط زناشویی، ارتباطات کلامی و ارتباطات جنسی، کم تر فعال شود و این خود به مخاطراتی در روابط خانوادگی می انجامد و خانه ای را که محل آرامش و تأمین نیازهای متقابل زن و شوهر است، مبدل به استراحت گاه دو کارمند میکند که ساعت هایی را صرفاً جهت آماده شدن برای کار فردا بگذرانند (قریشی، ۱۳۴۴ق، ص ۴۸). پس زن در محل کار خود، به خاطر خستگی و سرو کله زدن با افراد گوناگون در طول روز، در رابطه زناشویی و در ارتباط جنسی و کلامی ضعیف شده، به مشکل جنسی و ارتباطی و حتی روحی مبتلا می شود. در نتیجه تفاهم زن و مرد به تخصم مبدل شده، و طلاق و جدایی پیامد آن خواهد بود (خیری، ۱۳۸۵، ص ۱۷۸)

ب) استقلال مالی و احساس عدم وابستگی

فعالیت اقتصادی زنان، قدمتی به اندازه عمریش دارد و مسئله جدیدی نیست؛ اما اشتغال به معنای شغل درآمدزا در ساعات معین و خارج از محیط خانه، بیشتر محصول جهان صنعتی و جایگزین شدن کار در کارخانه ها و ادارات به جای فعالیت های کشاورزی و دامداری است، که جای بحث و تأمل بیشتری دارد. فعالیت اقتصادی زنان از دیدگاه قرآن نه تنها مجاز، بلکه تشویق شده است. قرآن کریم با ارائه دیدگاهی متعادل و عادلانه نسبت به نقش زنان در جامعه، بستری را فراهم آورده که در آن زنان می توانند به عنوان عناصر فعال و مؤثر در اقتصاد حضور داشته باشند.

قرآن با بیان مثال هایی از زنان موفق و فعال اقتصادی، مانند حضرت خدیجه



(س) که پیش از ازدواج با پیامبر اکرم ۹ یکی از تجار موفق مکه بود، نشان می‌دهد که اسلام فعالیت اقتصادی زنان را تأیید و حمایت می‌کند. در مورد کسب و کار، اسلام زنان را از داشتن حق مالکیت و انجام فعالیت‌های اقتصادی مستقل تشویق می‌کند. در سوره نساء به این نکته اشاره شده که هر فردی، چه مرد و چه زن، حق دارد از زحمات و کسب خود بهره‌مند شود. این آیه تأکید می‌کند که خداوند به هرکسی براساس تلاش و کوشش خویش بهره‌ای عطا کرده است، که نشان‌دهنده حمایت قرآن از استقلال اقتصادی زنان است؛ «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهٖ بَعْضُكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (نساء، ۳۲) کلمه اکتساب در به‌دست آوردن فایده‌هایی استعمال می‌شود که انسان خودش از آن استفاده کند؛ و معنای کلمه کسب که از معنای اکتساب عمومی‌تر است، هم آن را شامل می‌شود و هم آنچه را که برای غیر به‌دست می‌آورد (راغب اصفهانی، ۱۳۴۱ق، ج ۱، ص ۴۳۰)؛ چون استقلال لازمه اراده و اختیار است، لذا اسلام این استقلال را در کلیه حقوق اقتصادی مد نظر قرار می‌دهد و انواع و اقسام ارتباطات مالی را برای زن بلامانع دانسته و او را مالک درآمد و سرمایه‌های خویش برمی‌شمارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۶۳).

استقلال اقتصادی زنان در جامعه اسلامی نه تنها برای آنها به‌عنوان افراد، بلکه برای کل جامعه و ساختار خانواده اثرات مثبت و قابل توجهی دارد. از نظر اجتماعی، زنانی که از نظر اقتصادی مستقل هستند، می‌توانند به‌عنوان نیروی محرکه‌ای برای رشد و توسعه اقتصادی عمل کنند. آنها با کسب درآمد و مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، به توزیع ثروت و کاهش فقر کمک می‌کنند و در



نتیجه، به تقویت پایه‌های اقتصادی خانواده و جامعه بیش از پیش کمک می‌رسانند. از نظر فردی، استقلال اقتصادی به زنان این امکان را می‌دهد که در تصمیم‌گیری‌های مربوط به زندگی خود و خانواده‌شان نقش مؤثرتری ایفا کنند. این استقلال، اعتماد به نفس و حس خودکفایی را در آنها تقویت کرده و امکان مدیریت و برنامه‌ریزی مالی شخصی و خانوادگی را به آنها می‌دهد. زنان مستقل اقتصادی می‌توانند به عنوان الگوهایی مثبت برای نسل‌های آینده عمل کنند، آموزه‌هایی در مورد اهمیت تلاش، مسئولیت‌پذیری و ارزش کار را منتقل کنند. علاوه بر این، وقتی زنان از نظر اقتصادی مستقل باشند، جایگاه و احترام آنها در جامعه افزایش می‌یابد و تبعیض جنسیتی کاهش می‌یابد. این امر به نوبه خود می‌تواند به ایجاد جوامعی عادلانه‌تر و همبسته‌تر منجر شود که در آن احترام متقابل و فرصت‌های برابر برای همه، صرف نظر از جنسیت، وجود دارد (قنبری، ۱۴۰۲، ص ۱۴۰۲).

در کنار تمام محاسنی که استقلال مالی زن به دنبال دارد؛ از جمله توسعه فردی و ارتباطات اجتماعی او، کسب درآمد و تأمین نیازهای شخصی و... آفات و آسیب‌هایی را نیز در پی دارد. یکی از این آسیب‌ها، آفت احساس عدم وابستگی است. این در حالی است که خدای تعالی، از طریق آیات وحی و سیره برگزیدگان خویش، تقسیم تمامی وظایف خانه و خارج از خانه را به انسان‌ها گوشزد کرده است و این تقسیم را بر اساس فطرت و تمایزات تکوینی و تشریعی و نیازهای مردان و زنان انجام داده است. تفاوت‌هایی چون تفاوت‌های زیستی، روانی، رفتاری و اقتصادی، به عنوان تفاوت‌های تکوینی و تفاوت‌های تشریعی که شامل تمامی قوانینی است که در ادیان مختلف در مورد آنها سخن گفته شده است.



برای نمونه، در اسلام مخارج و هزینه‌های مالی از قبیل نفقه (مسکن، لباس، غذا، اثاث خانه و سایر مواردی که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد)، مهر و صداق (کابین) بر عهده مرد گذاشته شده است و باید به هرنحوی، هزینه‌ها را تأمین کند. به دلیل آنکه تأمین این موارد بیشتر در خارج خانه صورت می‌گیرد، شارع مقدس کارهای بیرونی را به عهده مرد گذاشته و تلاش مرد را برای تأمین هزینه‌ها نه تنها مطلوب، بلکه واجب دانسته است (خیری، ۱۳۸۵، ص ۱۶۹).

در واقع اسلام با این معرفی، علاوه بر پذیرفتن استقلال مالی زنان، او را از بار مسئولیت‌های اقتصادی و مالی خانواده رها کرده تا با آسودگی خاطر و آرامش بتواند نیازهای عاطفی و روانی خود و اعضای خانواده را برآورده کند.

اشتغال زن و درآمدزایی او به کاهش وابستگی اقتصادی به همسر می‌انجامد. این در حالی است که یکی از عوامل پیوند روابط زناشویی احساس نیاز زن و شوهر به یکدیگر و تأمین شدن این نیاز است (سایت اشتغال زنان و تبعات آن بر خانواده). برخورداری از اقتدار اقتصادی و کم شدن وابستگی اقتصادی به همسر، سبب تغییراتی در روابط زن و مرد و سرپرستی خانواده می‌شود و دیگر مرد کانون اقتدار خانواده نیست و قدرت اقتصادی زن معادله قدرت سیاسی را در خانواده برهم می‌زند و شکل جدیدی از خانواده متولد می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود که کشمکش‌های خانوادگی نیز افزایش یابد (حشمت‌الواعظی قمی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۴).

همچنین قطع وابستگی اقتصادی و کم شدن احساس نیاز به همسر، آستانه تحمل‌پذیری زن را کاهش داده و با احساس مشکلاتی در زندگی زناشویی، میل به جدایی را افزایش می‌دهد (قائمی، ۱۳۶۶، ص ۱۹۱).



ج) کاهش میل به فرزندآوری:

عوامل متعدد (اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی) می‌تواند در رفتار باروری زنان مؤثر باشد. مطالعات نشان می‌دهند که سبک زندگی امروز تحت تأثیر عصر مدرن که به زندگی شتاب بخشیده، قرار گرفته است و عواملی چون سطح تحصیلات و سواد زنان، افزایش مشارکت اجتماعی، امکان یافتن شغلی مناسب، شناخت مسائل بهداشتی و روش‌های پیش‌گیری از بارداری و افزایش خواسته‌ها در افراد با سطح بالای باروری و تعداد فرزند زیاد، در تضاد است و تعداد بیشتر کودک را مانعی جهت نیل به اهداف، از جمله در جهت رسیدن به سطح بالاتر رفاه می‌دانند (پروینیان، ۱۳۹۷، صص ۴۰۴۱). اشتغال زنان از جمله عوامل تأثیرگذار بوده و تمایلات زنان برای فرزندآوری را به لحاظ اجتماعی و اقتصادی تحت الشعاع خود قرار می‌دهد (مشفق؛ و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۲). بر اساس تحقیقات صورت گرفته، دلایل روان‌شناختی عدم تمایل به فرزندآوری شامل ترس‌ها (مانند ترس از تربیت فرزندان در دوران جدید، نداشتن کمک کار) و تمایلات فردی (مانند تمایل به پیشرفت هم‌پای همسران، اهمیت تفریحات و خوش‌گذرانی) می‌باشد؛ و همچنین از دلایل اجتماعی و فرهنگی این اتفاق می‌توان به مُد شدن کم‌فرزندی اشاره کرد (نجفی اصل، ۱۴۰۱، ص ۳۲۲). اسلام از زمان ظهور و در طول عمر پربرکت هزار و چهارصد ساله‌اش، در سایه قرآن کریم و سیره اهل بیت: نقش‌های زنانه، به‌ویژه مادری را مورد تکریم قرار داده و فرزندآوری را فرآیند انسان‌سازی و مسیری که در آن جانشین خدا در زمین هستی می‌یابد، دانسته است. (شمس و نجفی، ۱۴۰۰، صص ۱۰۱۱۰۲). قرآن فرزندان را نعمت الهی نزد والدین دانسته که هم‌چون سایر نعمت‌های الهی می‌توان از آنها در مسیر



تکامل بهره‌مند شد (نحل، ۷۲).

یکی از نیازها و قابلیت‌های مهم زنان، روح پرورش‌دهندگی و مادری است. به گفته روان‌شناسان، غریزه مادری طبیعی‌ترین غریزه است و تکامل زن و سلامت او با مادر شدن امکان‌پذیر است. تجلی احساس مادرانه و نیاز به فرزند در بسیاری از زنان به سادگی قابل مشاهده است؛ زیرا شدت احساسات و عواطف، از صفات بارز آنان است و مهم‌ترین عرصه تجلی عاطفه و احساس، مادری کردن است؛ و زن فقط با مادر شدن می‌تواند تمام ظرفیت‌های عاطفی خود را بروز دهد. همچنین طبیعی بودن این غریزه باعث می‌شود پس از تولید مثل، مرحله دوم تکثیر نسل که شامل «تداوم نسل» است، در نوع بشر تحقق یابد (جمشیدی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۱۵۴).

قرآن کریم نیز غریزه فرزندخواهی زنان را تأیید کرده است. شاهد قرآنی بر غریزه فرزندخواهی زنان، همسر عمران، مادر حضرت مریم (ع) است. بر اساس تفاسیر، حنه و اشیاع دو خواهر بودند که اولی به همسری عمران درآمد که از شخصیت‌های برجسته بنی اسرائیل بود؛ و دومی با حضرت زکریا، پیامبر خدا ازدواج کرد. حنه، همسر عمران سال‌های زیادی دارای فرزندی نشد. روزی زیر درختی نشسته بود، پرنده‌ای را دید که به جوجه‌های خود غذا می‌دهد؛ دیدن این محبت مادرانه، آتش فرزندخواهی را در دل او شعله‌ور ساخت و از ژرفای دل از خداوند تقاضای فرزند کرد. چیزی نگذشت که این دعای خالصانه به اجابت رسید و او باردار شد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۵۵)؛ «إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»؛ و زن عمران گفت: ای پروردگار من، نذر کردم که آنچه در شکم دارم از کار این جهانی آزاد و



تنها در خدمت تو باشد. این نذر را از من بپذیر که توشنوا و دانایی (آل عمران، ۴۵)

در شرع مقدس اسلام یکی از اهداف تشکیل خانواده، فرزندآوری و توالد نسل بیان گردیده که به بنیان خانواده استحکام بیشتری بخشد؛ از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت است که: «تَنَاجَحوْا وَتَنَاسَلُوا فَآئِی اِبَهِی بَکُم یومُ الْقِیَامَةِ وَ لَوْ بِالسَّقَطِ. ازدواج کنید و تشکیل خانواده بدهید و تولید نسل کنید که من در روز قیامت به شما مباحثات می کنم. حتی به طفل کوچکی که سقط شده باشد (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ص ۹۷).

پژوهش های تجربی نیز نشان می دهد که اندیشه فرزندآوری به عنوان یکی از فرایندهای زیربنایی در تحکیم و رضایت مندی خانواده مؤثر است. دانشمندان در بررسی های خود نشان دادند که اندیشه فرزندآوری در ایجاد آرامش و تحکیم و کارآمدی خانواده تأثیر زیادی دارد (پناهی، ۱۳۹۳، صص ۴۰-۴۱)

والدین و به خصوص زن هایی که اشتغال دائم دارند، به طور طبیعی میل کافی به فرزندآوری در سال های اولیه زندگی و همچنین میل و فرصت کافی برای فرزندان متعدد ندارند و معمولاً به یک یا دو فرزند اکتفا می کنند؛ در نتیجه از برکات و فواید فراوانی محروم می گردند که این خود خسرانی بزرگ است. برکاتی که فرزند در نظام خانواده و به خصوص در روابط همسران به وجود می آورد، بسیار است (همان، ص ۴۰). اما متأسفانه امروزه با روی آوردن زنان به اشتغال در خارج از خانه و شرکت فعال آنان در فعالیت های اقتصادی، این امر میل آنان به فرزندآوری را کاهش داده است و چون با تولد فرزند، مادران را با بحران جدیدی مواجه می سازد، مادران ناگزیرند میان شغل و نقش مادری یکی را برگزینند و این در



حالی است که بسیاری از آنان مایل نیستند موقعیت شغلی و اقتصادی خود را از دست بدهند؛ در نتیجه نقش مادری را رها می‌سازند (فرهادیان، ۱۳۸۹، قسمت دوم، ش ۲۱۹). از این رو مشارکت اجتماعی- اقتصادی زنان در عصر حاضر با روند باروری در ارتباط نزدیک است. این جریان طی نیم قرن اخیر به اشکال مختلف در جوامع گوناگون صورت گرفته است. یعنی با ورود زنان به کار و اشتغال‌های رسمی، باروری مطابق با شرایط کاری و اشتغال تنظیم شده است. ولی این بدان معنی نیست که اشتغال به طور مطلق تابع باروری است. طی نیم قرن اخیر با ورود تدریجی زنان به بازار کار، نظام ارزشی مربوط به باروری کم، سبب بروز محرومیت‌های عاطفی و سوء تغذیه روانی در آنها می‌شود (غیاثی، ۱۳۹۶، ص ۶۲).

آسیب‌های نقش مادری

الف) اختلال در روابط عاطفی با فرزندان:

بدون شک یکی از مهم‌ترین نقش‌هایی که زنان در طول زندگی خود ایفا می‌کنند، نقش مادری است و به عبارتی یکی از مهم‌ترین وظایف زنان به شمار آید (صالحی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۴). آسایش فضای خانواده، آرامش و سکونتی که در فضای خانه است به برکت زن و طبیعت زنانه است (قدوسی‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۴۸). مادر به لحاظ روانی، عاطفی سرشار از مهر و محبت و صفا و صمیمیت است. چون ساختار وجودی مادر به گونه‌ای آفریده شده که قدرت جذب فوق‌العاده‌ای دارد و در ابراز احساسات و عواطف از توان بالایی برخوردار است. اسلام، ویژگی عاطفی-روانی مادران را مورد توجه خاص قرار داده و برای این جنبه



از ابعاد وجودی آنان اهمیت فراوان قائل شده است. رسول خدا ۹۱ فرمود: خداوند به زنان مهربان تر از مردان است. این توجه ویژه خداوند به عواطف مادران، مسئولیت آنان را در برابر فرزندان شان زیادتر می کند. (محمدی، ۱۴۰۰، صص ۱۱-۱۲).

یکی از مهم ترین نیازهای کودکان که پایه و اساس روابط او را با دیگران تعیین می کند، نیاز به محبت و امنیت است. نیاز به محبت و امنیت، نیازی است که رشد سالم شخصیت کودک به آن وابسته است و موجب می شود که کودک در آینده بتواند نقش پدر یا مادری دلسوز و مهربان را ایفا کند و به محبت و علاقه دیگران به نحو صحیح پاسخ دهد. مادر نخستین کسی است که در تأمین این نیاز به کودک کمک می کند؛ بعد از او پدر و سپس سایر افرادی که با کودک ارتباط دارند. اگر این نیاز به خوبی ارضا شود، حس اعتماد به جهان پیرامونی برای کودک به وجود می آید و او می تواند با دنیای در حال تغییر کنار بیاید. کودک احساس یکپارچگی شخصیت می کند و هویتی منسجم و پایدار در او شکل می گیرد (بشیری، ۱۳۸۵، ص ۷۲). در روایات توصیه های فراوانی بر توجه والدین نسبت به فرزندان شده است؛ امام صادق ۷ می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الْعَبْدَ لِيَشَدَّةَ حُبِّهِ لَوْلَاَهُ»؛ بدون تردید خداوند بر بنده خود به خاطر شدت محبت به فرزندش، رحم می کند (کلینی، ۱۴۱۱ق، ج ۶، ص ۵۰). و همچنین می فرماید: «قال موسى: يَا رَبِّ: أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ عِنْدَكَ؟ قَالَ: حُبُّ الْأَطْفَالِ؛ فَإِنِّي فَطَرْتَهُمْ عَلَى تَوْحِيدِي، فَإِنْ أَمَّتْهُمْ أَدَخَلْتُهُمْ بِرَحْمَتِي جَنَّتِي»؛ موسی بن عمران عرض کرد: پروردگارا! کدام عمل نزد تو برتر است؟ فرمود: دوست داشتن کودکان؛ زیرا فطرت آنان را بر توحید و یگانگی خود آفریدم و اگر آنان را بمیرانم با رحمتم داخل بهشت می گردانم (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۴، ص ۹۷).



روان‌شناسان معتقدند کودکان در سال‌های نخستین زندگی نیاز شدیدی عاطفی دارند و این نیاز تنها از سوی مادر تأمین می‌شود و با هیچ نهاد جایگزین دیگری تأمین نمی‌شود. با شاغل شدن زن، که مهم‌ترین نقش را در ایجاد تعادل عاطفی و روانی و ایجاد فضایل دارد، لطمه شدید روحی به فرزندش وارد می‌شود؛ حتی گاهی ممکن است موجبات بروز نابسامانی‌های روانی خاصی در بزرگسالی گردد (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۱۷۰).

یکی از مهم‌ترین مشکلات مادران شاغل کمبود وقت آنهاست؛ در صورتی که کارکردهای تربیتی و حمایت‌های عاطفی در خانواده مستلزم صرف زمان مطلوب از سوی خانواده است (غیاثی، ۱۳۹۶، ص ۶۰). از این رو کار مادر برای فرزندان نوعی محرومیت به شمار می‌رود و جدا شدن کودکان و فرزندان از مادر موجب به وجود آمدن بسیاری از مشکلات عاطفی و روانی در آینده خواهد شد (ربیع نتاج و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۵۴).

مطالعات روان‌پزشکان نشان می‌دهد اختلال عاطفی کودکان، مانند کندی در سخن گفتن، کاهش بهره هوشی، کاهش جنب و جوش، کم عمقی واکنش عاطفی، اختلال حواس و ضعف استعداد تفکر انتزاعی، می‌تواند از آثار ناگوار محرومیت از مادر به حساب آید (سقای بی‌ریا، ۱۳۷۵، ص ۸۶۲).

کودکان ارزش‌ها را از طریق کنش دو طرفه میان خود و والدین و الگوگیری از آنها می‌آموزند؛ کنش متقابلی که نیازمند حضور فیزیکی، عاطفی، عقلایی و روحی والدین در زندگی با فرزندان‌شان است. حضور مؤثر و ارزش‌مند والدین در کنار فرزندان، پیوندهای عاطفی میان آنان را تقویت می‌کند، رفتارهای صحیح اجتماعی را به آنان می‌آموزد و حس اطاعت و احترام را در میان آنان برمی‌انگیزد.



(موسوی، ۱۳۹۹، صص ۱۰۶-۱۰۵).

بعضی از مادران شاغل فکرمی کنند اگر به وضعیت جسمی فرزندان خود رسیدگی کنند، تغذیه و پوشش آنها را فراهم کنند و آنان را گرم و نرم نگاه دارند، وظیفه مادری خود را به خوبی انجام داده اند؛ غافل از اینکه کودک از مادر محبت و آرامش می خواهد. او دوست دارد در آغوش مادر خود آرام بگیرد و نیازمند آن است که مادر و پدر هر دو، وقت بیشتری برای او صرف کنند. بچه ها حتی در نوجوانی و سنین بالاتر نیز این احساس نیاز را دارند. آدمی همواره به دنبال رسیدن به آرامش است و این آرامش را در هیچ جایی بهتر از کانون گرم و پر عاطفه خانواده نمی توان جست (علیزاده و، فلاح، ۱۳۹۰، صص ۱۵۴-۱۵۵). مادری که با فراغت کامل در انجام دادن وظیفه خانه داری و مادری موفق باشد و محیط خانه را محل امنیت و آرامش خاطر خود، فرزندان و همسرش قرار دهد، بهتر می تواند بین خود و اعضای خانواده روابط عاطفی و انسانی ایجاد کند و از این طریق، الگوهای صحیح تربیتی را به فرزندان منتقل سازد. به عکس مادری که به دنبال چندین ساعت کار و تلاش خارج از منزل با حالتی خسته به خانه برمی گردد، نمی تواند برای انجام دادن این مهم آن گونه که شایسته است، اقدام کند. در چنین مواردی کودکان برای دیدن مادر لحظه شماری می کنند؛ اما معمولاً خستگی و احیاناً بی حوصلگی مادر مانع از ایجاد ارتباط عاطفی بین او و فرزندانش می شود (پرینگل، ۱۳۸۰، صص ۸۶۳-۸۶۲).

ب) دوگانگی تربیت فرزندان

مقوله تربیت از ابتدایی ترین و اساسی ترین نیازهای زندگی بشری است.



انسان در پرتو تربیت صحیح است که به عنوان موجودی هدف‌مند به آرمان‌های خود می‌رسد (طیاری پور احمدی، ۱۳۹۶، ص ۵۱۷). شکوفایی استعدادها و ارزش‌های والا مبتنی بر تعلیم و تربیت انسان است و انسان شدن انسان و وصولش به کمال نهایی، همه مرهون تعلیم و تربیت صحیح است. از نظر اسلام کسی که از تعلیم و تربیت بی بهره است، هم چون کسی است که در بیابان خشکی سرگردان و متحیر است و نمی‌داند از کدام راه برود تا به سرمنزل مقصود برسد (حسینی، ۱۳۹۳، صص ۳۶-۳۷).

اگر خانواده را اولین کانون تربیتی بدانیم، بدون شک والدین اولین مربیان و معلمان این کانون مهم محسوب می‌شوند (بشیری، ۱۳۸۵، ص ۷۰). از منظر قرآن و روایات اهل بیت: پدر و مادر افزون بر دخالات در سرنوشت اولاد خود از طریق وراثت، به واسطه تأثیر فراوانی که در تربیت او دارند، زمینه ساز سعادت یا شقاوت فرزندان شان می‌باشند (طیاری پور احمدی، ۱۳۹۶، ص ۵۱۷).

قرآن کریم می‌فرماید: یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم واهلیکم نارا وقودها الناس والحجارة: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، نگه دارید (تحریم، ۶).

همچنین یکی از حقوق فرزند بر پدر و مادر اهتمام در تربیت است. حضرت علی ۷ می‌فرمایند: «خیر ما ورث الالباء الابناء الادب»؛ بهترین میراث از پدران برای فرزندان، ادب و تربیت نیکوست (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۱).

با متولد شدن فرزند و پا گذاشتن او در محیط خانواده، رسالت تربیتی پدر و مادر درباره او به طور رسمی و با جدیت شروع می‌شود و به خصوص نقش مادر بسیار نمایان است. مادر اولین مربی کودک و مؤثرترین فرد بر کودک در تمامی



مراحل رشد است (حسینی، ۱۳۹۳، ص ۳۸). تردیدی نیست که نقش تربیتی مادر و حضور با کیفیت او در کنار فرزندان به ویژه در دوران خردسالی بسیار مهم است. سلامت جسمانی، پایه های شخصیت، اخلاقیات، باورها و اعتقادات هر فردی در این دوران شکل می گیرد. بنابراین کودک خردسال به ویژه به لحاظ تربیتی، به شدت نیازمند حضور با کیفیت مادرش است (متین و وجدانی، ۱۳۹۸، ص ۲۱۳).

امروزه با تشویق شدید زنان به اشتغال در خارج از منزل، حضور آنان در خانواده کم تر و تأثیر آنان در پرورش نسل آینده ضعیف تر شده است. به دلیل آنکه مؤثرترین فرد در انتقال ارزش ها به نسل آینده همواره مادران بوده اند، اگر فعالیت اجتماعی زنان به تضعیف این نقش اساسی آنان منجر شود، نامطلوب خواهد بود. هنگامی که زنان بیشتر اوقات شبانه روز خود را در محیط کار سپری کنند و پس از بازگشت به خانه نیز عمده وقت خود را در آشپزخانه یا خواب به سربرند، نقشی اساسی در شکل گیری شخصیت فرزندان شان و حتی مراقبت بر رفتار آن را نیز نخواهد داشت (علیزاده و فلاح، ۱۳۹۰، ص ۱۵۲).

در طول زمان حضور در محل کار، مادر مجبور است فرزند یا فرزندان خود را به مهد کودک بسپارد و یا نزد افراد دیگری از فامیل، مثل خواهر یا مادر بزرگ بگذارد. بی تردید ایده ها و الگوهای تربیتی مادر با ایده ها و روش های تربیتی مربیان مهد ها و دیگران متفاوت خواهد بود و فرزندان با حالتی دو گانه در رفتار و افکار و ارزش ها رشد خواهند کرد (غیائی، ۱۳۹۶، ص ۶۰). به عبارتی جدایی مادر از فرزند در مراحل سنی کودک، پیامدهای گوناگونی به دنبال خواهد داشت و باعث دوگانگی در تربیت فرزندان خواهد شد (شکوهی ستا، ۱۳۹۲، ش ۲۶۱).



ج) از بین رفتن احساس امنیت کودک

خانواده یک گروه پویاست؛ نخستین نهاد اجتماعی است که کودک در آن پرورش می‌یابد و چگونگی رفتار اجتماعی را فرامی‌گیرد. در میان اعضای خانواده در تربیت و تکوین شخصیت کودک، مادر از نقش حساس‌تری برخوردار است. علت این امر شاید این باشد که از همان ابتدای تولد، کودک بیش‌ترین کنش و واکنش‌های عاطفی خود را با مادر برقرار می‌کند. رابطه اولیه کودک و مادر به وجودآورنده هسته اصلی احساس امنیت و آرامش در کودک است. اگر در این روابط خللی به وجود آید، احساس ناامنی و عدم اعتماد بر زندگی کودک سایه می‌افکند (محمدی سیف، ۱۳۹۲، ش ۲۶۱) کودک در بدو تولد نخستین رابطه خود را با مادر برقرار می‌کند. او باید بتواند در کنار مادر احساس امنیت کند؛ یعنی احساس کند که مادر همواره برای ارضای نیازهای وی در کنارش قرار دارد (منصور و دادستان، ۱۳۷۴، ص ۱۲۱)

مادران شاغل به دلیل اینکه بخش قابل توجهی از وقت مفید خود را به کار مشغولند و طبعاً از فرزندان خود دور هستند، یا دست کم به موقع نمی‌توانند نیازهای آنها را ارضا کنند، احساس عدم اعتماد به اطرافیان را در کودک به وجود می‌آورند؛ و این امر باعث می‌شود مراحل بعدی رشد کودک نیز که مبتنی بر احساس اعتماد است، دچار اختلال شود (بشیری، ۱۳۸۵، ص ۷۶). وجود مادر در خانه به ویژه در یکی دو سال آغاز زندگی، به منظور ایجاد دل‌بستگی میان مادر و کودک الزامی است. با این حال، شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جوامع، بسیاری از زنان را اندکی پس از تولد بچه روانه بازار کار کرده است. مشاغل تمام وقت و طولانی، خواه ناخواه تماس‌ها را محدودتر کرده و فرصت ارتباط با



اعضای خانواده را کاهش داده است؛ و این، در شرایطی است که کودکان نیازمند ارتباط‌های کلامی و لمسی هستند. کارشناسان روان‌شناسی کودک بر این باورند که حضور مادر در خانه، به‌ویژه در دوران نوزادی کودک بسیار ضروری است. آنها معتقدند گریه‌های نوزادان در برخی حالت‌ها صرفاً به خاطر شیر نیست؛ بلکه نوازش و آغوش مادر در چنین لحظاتی، باعث اطمینان خاطر کودک از محیط خانه و خانواده می‌شود و داشتن چنین احساسی، در آینده به بروز نکردن استرس در دوران جوانی و بزرگسالی کمک خواهد کرد (کمالی و کمالی، ۱۳۹۷، ص ۲۴).

نتیجه‌گیری

اشتغال زنان یکی از مسائل مطرح در جامعه امروز است. زنان به علل گوناگون به کار روی آورده‌اند و علاوه بر مسئولیت‌های خود در خانه و همسراری و تربیت فرزندان، مسئولیت‌های اجتماعی را نیز پذیرفته‌اند. در نگرش اسلامی، ضمن ارج نهادن به مسئولیت اجتماعی زن و تأکید بر امکان اشتغال و استقلال مالی زنان، بر نقش‌های ویژه زن در کانون خانواده اصرار فروان شده است. وظیفه اصلی زنان بنا بر خلقت الهی، ایفای نقش همسری و مادری است و از طرفی نمی‌توان شایستگی‌ها و توانایی‌های زنان به عنوان نیمی از پتانسیل جامعه در پذیرش بعضی مسئولیت‌ها در عرصه فرهنگی، علمی، تربیتی و سیاسی را نادیده گرفت. بنابراین زنان شاغل در دو جبهه مهم جامعه و خانواده مشغول فعالیت هستند و از آنجا که گاه این وظایف در تعارض باهم قرار می‌گیرند، جمع بین آنها برای زن کار دشواری است.

از جمع بندی مطالب مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت که اشتغال زنان



گرچه فوایدی مانند بهبود وضعیت اقتصادی و تأمین نیازهای مادی خانواده، وجهه اجتماعی و استقلال مالی و به دست آوردن پشتوانه‌ای برای آینده آنان در پی دارد؛ اما اثرات نامطلوبی در بستر خانواده برجای می‌گذارد که از نظرها پنهان مانده و می‌توان به عنوان کارکرد منفی در محیط خانواده از آن نام برد. از جمله آسیب‌هایی که متوجه نقش همسری می‌شود؛ اختلال در روابط با همسران، استقلال مالی و احساس عدم وابستگی و کاهش میل به فرزندآوری است. همچنین از جمله آسیب‌هایی که در ارتباط با نقش مادری است، می‌توان به اختلال در روابط عاطفی با فرزندان، دوگانگی تربیت فرزندان و از بین رفتن احساس امنیت اشاره کرد. این آسیب‌ها رفته رفته ممکن است سبب از هم گسیختگی و فروپاشی بنیان خانواده شود. از این رو با توجه به اهمیت حضور اجتماعی زنان و همچنین نقش مهم همسری و مادری برای کاهش آسیب‌های اشتغال زنان پیشنهادهای زیرارائه می‌شود: ۱. اصلاحات فرهنگی به منظور برجسته شدن و کارآمدی نقش همسری و مادری،

۲. تشویق زنان به حضور در عرصه‌های متناسب با ویژگی‌های جنسیتی آنان در قالب طرح‌های حمایتی خاص،

۳. پیشنهاد به متولیان امور اجتماعی و دولت جهت امتیاز به زنان خانه‌دار و در نظر گرفتن تسهیلاتی برای زنان شاغل، با توجه به مزایای اشتغال زنان و آسیب‌های آن

۴. همچنین با توجه به وظایف اصلی زن و نوع کار، باید تصمیم‌گیری مناسبی صورت گیرد تا بر کرامت انسانی زن، لطافت و ظرافت او و انجام وظایف اصلی زن در کانون خانواده خدشه وارد نکند.

۵. در نهایت اگر برغم رعایت این اصول، شغل زن موجب اختلال در زندگی خانوادگی شود، لازم است زن با نگاه واقع‌بینی حکیمانه، کار خویش را کنار بگذارد.



منابع

الف) کتاب

۱. قرآن
۲. اعزازی، شهلا، ۱۳۸۷، جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چاپ ششم.
۳. سقایی‌ریا، ناصر، ۱۳۷۵، روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی (جلد دوم)، تهران، انتشارات سمت، چاپ ششم.
۴. پرینگل میاکلم، ۱۳۸۰، نیازهای کودکان، ترجمه نیره ایجادی و جواد شافعی مقدم، تهران انتشارات رشد، چاپ اول.
۵. تونی گرت، ۱۳۹۸، زن بودن، ترجمه فروزان گنجی‌زاده، تهران، انتشارات ورجاوند، چاپ سوم.
۶. جمشیدی، اسدالله و همکاران، ۱۳۸۵، زن در فرهنگ و اندیشه اسلامی: جستاری در هستی‌شناسی زن، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ دوم.
۷. حاتمی، محمد، ۱۳۸۲، استرس مادران شاغل، بی‌جا انتشارات مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، چاپ اول.
۸. حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعه، قم، انتشارات مؤسسه آل‌البیت، ج ۱۵.
۹. حرانی، حسن بن علی بن شعبه، ۱۴۰۴ق، تحف العقول عن آل رسول؛ تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، مؤسسه نشر اسلامی.
۱۰. حشمت‌الواعظی قمی، سید محمد تقی، ۱۳۵۷، الگوی زن اصیل و آزاد در عصر انقلاب، تهران بی‌نا، چاپ اول.



۱۱. دورانت، ویلیام جیمز، ۱۳۸۷، لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب خویی، تهران انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ بیستم.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۳۱ق، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، الامیره، ج ۱.
۱۳. زعفران چی، لیلا سادات، ۱۳۸۸، اشتغال زنان (مجموعه مقالات و گفتگوها)، تهران، ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده،
۱۴. زمخشری، محمود، ۱۴۰۷ق، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی، ج ۱.
۱۵. ساروخانی، باقر، ۱۳۷۰، مقدمه‌ای بر جامعه شناسی، تهران، انتشارات سروش.
۱۶. سفیری، خدیجه، ۱۳۷۷، جامعه شناسی اشتغال زنان، تهران مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، چاپ اول.
۱۷. صالحی، راضیه و همکاران، ۱۳۹۴، «تأثیر اشتغال مادران بر رشد روحی و روانی کودک»، تهران، دومین کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی.
۱۸. طیار پور احمدی، معظمه، ۱۳۹۶، «اهمیت نقش مادر در تربیت دینی فرزندان»، تهران، دومین کنگره بین المللی نقش زن در سلامت خانواده و جامعه.
۱۹. علی محمدی، کاظم، ۱۳۹۴، رئیس خانه یا کارمند اداره؟، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول.
۲۰. قائمی، علی، ۱۳۶۶، کودک و خانواده نا بسامان، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، چاپ اول.
۲۱. قدوسی زاده، حسن، ۱۳۸۳، نکته‌های ناب (برگزیده بیانات رهبر فرزانه انقلاب در جمع دانشجویان و دانشگاهیان)، قم، انتشارات نشر معارف، ج ۵، چاپ دوم.
۲۲. قریشی، شریف، ۱۳۴۴، کار و حقوق کارگر، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه،



چاپ اول.

۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۳ق، اصول کافی، تصحیح محمد جعفر شمس‌الدین، بیروت، دارالتعارف، ج ۶.

۲۴. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱۰ و ۱۸ و ۸۷ و ۱۰۴، چاپ دوم.

۲۵. محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۸، میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، ج ۱.

۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۲.

۲۷. منصور، محمود؛ دادستان، پریخ، ۱۳۷۴، روان‌شناسی ژنتیک، تهران، انتشارات رشد، ج ۲، چاپ دوم.

۲۸. محدث نوری، حسین، ۱۴۰۸، المستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت.

۲۹. هایدی، روزن باوم، ۱۳۸۵، خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه، ترجمه محمدصادق مهدوی، تهران، نشر دانشگاهی.

ب) مقاله و پایان‌نامه:

۱. آذربایجانی، مسعود، «عدالت جنسیتی و اشتغال زنان»، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، شماره ۴۶، سال ۱۳۸۸ ه.ش.

۲. بشیری، ابوالقاسم، «اشتغال زوجین و آثار و پیامدهای آن بر تربیت فرزندان»، نشریه معرفت، شماره ۱۰۳، تیر ۱۳۸۵ ه.ش.

۳. پروینیان، فریبا؛ رستم‌علی زاده، ولی‌اله، حبیبی؛ رضا، «تأثیر سبک زندگی امروزی بر میزان فرزندآوری»، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷ ه.ش.

۴. پناهی، علی‌احمد، «جنسیت، اشتغال، باید و نبایدها (با تأکید بر آثار تربیتی)»، دو



- فصلنامه علمی-پژوهشی تربیت اسلامی، شماره ۱۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.ش
۵. حسینی، حوریه سادات، «آسیب‌های حضور اجتماعی زنان و راه‌های برون رفت از آن»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قرآن و حدیث، سال ۱۳۹۳.ش
 ۶. خیری، یوسف، «اشتغال زنان و پیامدهای آن»، فصلنامه علمی-ترویجی بانوان شیعه، شماره ۹، سال ۱۳۸۵.ش
 ۷. ربیع نتاج، علی اکبر؛ روح الله زاده اندواری، عالیه، «حضور زن در جامعه از دیدگاه قرآن و روایات»، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ششم، سال ۱۳۸۹.ش
 ۸. رهبر، مهدی، «بررسی تطبیقی نظرات شیعه و اهل سنت در مورد اشتغال زنان»، فصلنامه علمی-ترویجی بانوان شیعه، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۸۸.ش
 ۹. سعیدزاده، محسن، «مشاغل زنان در عصر رسالت»، نشریه پیام زن، شماره ۳۸، اردیبهشت ۱۳۷۴.ش
 ۱۰. شکوهی ستا، رعنا، «باید و نبایدهای اشتغال زنان»، نشریه پیام زن، شماره ۲۶۱، آذرماه سال ۱۳۹۲.ش
 ۱۱. شمس، زینب؛ نجفی، محمدجواد، «بررسی موانع فرزندآوری از منظر آیات و روایات با رویکرد نقد ادله فمینیسم»، دو فصلنامه تفسیرپژوهی، شماره شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰.ش
 ۱۲. علی زاده، سوسن؛ فلاح، مریم، «زنان و بازار کار در جامعه اسلامی (بازکاوی پیشینه و آثار مثبت و منفی آن)»، فصلنامه راهبرد، شماره ششم، پاییز ۱۳۹۰.ش
 ۱۳. غیاثی، مهدی، «آسیب شناسی اشتغال زنان با رویکرد الگوی صحیح آن از منظر قرآن و روایات»، پایان نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی باخترایلام، شهریور ۱۳۹۶.ش
 ۱۴. فرهادیان، فاطمه، «پیامدهای منفی اشتغال زنان بر خانواده قسمت دوم»، مجله

- پیام زن، شماره ۲۱۹، خرداد ۱۳۸۹. ش.
۱۵. کارگر علی‌آباد، بتول، «آسیب شناسی اشتغال زنان و راه‌های برون رفت آن از منظر قرآن و حدیث»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی قم، زمستان ۱۳۹۴. ش.
۱۶. کمالی، سمیه؛ کمالی، محبوبه، «بررسی تأثیر اشتغال زنان بر تربیت فرزندان بر اساس سبک زندگی اسلامی»، نشریه مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی، شماره سی و پنجم، پاییز ۱۳۹۷. ش.
۱۷. کهریزی، مهوش؛ مرادی، علی، «چالش‌های اخلاقی اشتغال زنان برای خانواده: بررسی تطبیقی اسلام و فمینیسم و ارائه راهکارها»، فصلنامه علمی پژوهشی، شماره ۲۸، تابستان ۱۳۹۴. ش.
۱۸. کیان مهر، محمدولی، «تأثیر اشتغال زنان بر خانواده: بررسی مشکلات زنان شاغل و متاهل در خانواده»، نشریه کار و جامعه، شماره ۳۲، آذر و دی ۱۳۷۸. ش.
۱۹. متین، زهره؛ وجدانی، فاطمه، «اشتغال و فرزندپروری بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری»، نشریه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۸. ش.
۲۰. محقق، طاهره، «راهکارهای ارتقای تعامل بانوان شاغل با خانواده»، نشریه مطالعات قرآنی نامه جامعه، فصلنامه علمی تخصصی معارف اسلامی، شماره ۱۲۱، بهار ۱۳۹۶. ش.
۲۱. محمدی سیف، معصومه، «مادران شاغل و رهایی کودکان در آغوش تنهایی»، مجله پیام زن، شماره ۲۶۱، آذرماه ۱۳۹۲. ش.
۲۲. محمدی، زکیه، «نقش پدر و مادر در پرورش و تربیت فرزندان»، پژوهشنامه اورمزد، شماره ۵۷ (ب)، زمستان ۱۴۰۰. ش.
۲۳. مشفق، محمود؛ مرادی ثانی، قدرت؛ حسین‌خانی، سحر، «تحلیلی بر رابطه اشتغال



و تمایل به فرزندآوری در بین زنان شاغل در آستانه ازدواج در سطح استان های کشور»، فصلنامه جمعیت، شماره ۹۵ و ۹۶، بهار و تابستان ۱۳۹۵. ش

۲۴. موسوی، سیده طاهره، «آسیب شناسی اشتغال زنان»، فصلنامه علمی-تخصصی مبلغان (ویژه خانواده)، شماره اول، بهار ۱۳۹۹. ش

۲۵. مهدویان، طاهره، «چالش های اخلاقی اشتغال زنان در خانواده و راه کارهای آن از دیدگاه اسلام»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه معارف اسلامی، سال ۱۳۹۵. ش

۲۶. مهریزی، مهدی، «زن و اشتغال»، نشریه آیین پژوهش، شماره ۵۷، بی تا

۲۷. نجفی اصل، زهره، «عوامل غیراقتصادی عدم تمایل زنان به فرزندآوری»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، شماره چهارم، اسفند ۱۴۰۱. ش

ج) منابع اینترنتی:

۱. اشتغال زنان و تبعات آن بر خانواده، بازدید شده از سایت برهان به نشانی زیر:

www.borhan.com

۲. قرآن و استقلال اقتصادی زن؛ اهمیت و راهکارها، بازدید شده از سایت زندگی طلایی به نشانی زیر:

www.zendegitalayii.com